به بهانه برگزاری پانزدهمین جشن بزرگ منتقدان و نویسندگان سینمای ایران

چراغ نقد خاموش‌شدنی نیست

یادداشت

جواد صفوی
منتقد سینما

پانزدهمین جشن بزرگ منتقدان و نویسندگان سینمایی دیشب در کتابخانه ملی برگزار شد. همین رویداد بهانه ای شد تا به جایگاه نقد و منتقدان فیلم در شرایط کنونی پرداخته و به نوعی دست به آسیب شناسی نقد فیلم در ایران بزنیم. واقعیت این است که سینما همچنان از اثرگذارترین رسانه‌های جهان است اما آیا منتقدان سینما نقش و جایگاهی بایسته در آن دارند؟ مطالب‌شان چیزی به جامعه می افزاید؟ اصلاً هنوز کسی نقد فیلم می‌خواند؟ اینها سؤالاتی است که ممکن است یک منتقد فیلم از هر کشوری در سال‌های اخیر از خود پرسیده باشد. پاسخ به این سؤالات اما ساده نیست.

چرا منتقدان فیلم مهم هستند؟

راجر ایبرت، از برجسته‌ترین منتقدان سینما، گفته: «نقد فیلم مهم است، چون خودِ فیلم‌ها مهم هستند.» نقد فیلم به‌عنوان بخشی ثابت در روزنامه‌ها اوایل قرن بیستم شکل گرفت. امروز فیلم‌های قرن نوزدهم و بیستم مورد مطالعه قرار می‌گیرند و به ما کمک می‌کنند پیش از پیدایش بسیاری از فیلم‌های شناخته‌شده امروز، فضای فکری و فرهنگی آن دوران را بشناسیم. تفاوت میان «بازبین عادی» و «منتقد حرفه‌ای» شالوده استدلالی است که نشان می‌دهد چرا نقد فیلم همچنان ضروری است.

منتقد فیلم کیست؟

منتقد فیلم کسی است که آثار سینمایی را تماشا و آنها را بر اساس کیفیت و ارزش فرهنگی‌شان ارزیابی می‌کند. نوشته‌های او همچون اسنادی از هنجارهای فرهنگی و استانداردهای صنعت در یک دوره خاص عمل می‌کند و از طریق همین تحلیل‌ها در شکل‌گیری آینده سینما نقشی کلیدی دارد. مهم‌ترین رسالت یک منتقد آن است که مخاطب را به سوی عناصر هنری فیلم هدایت کند و به او بیاموزد چگونه ارزش‌های زیبایی‌شناختی را دریابد. آنچه برای یک منتقد حیاتی است، نه مدرک آکادمیک در سینما بلکه دانش عمیق نسبت به سینما و اصول نقد فیلم است. در ایران با نقد و نوشتار سینمایی به عنوان یکی از شاخه‌های صنفی خانه سینما به شکل حرفه‌ای برخورد می‌شود و ورود رسمی به این ساختار مستلزم کسب تجربه حرفه‌ای در مطبوعات تخصصی است و می‌شود گفت به لحاظ رسمی کسی منتقد و نویسنده سینمایی شناخته می‌شود که در یک جریده معتبر مطالب منتشر شده و تأیید شده داشته و در این امر استمرار داشته باشد اما این یک روی سکه است.

> اینترنت کاری را با نقد فیلم در ایران و جهان کرده که پیشتر با سکوهای نمایش آنلاین کرد: دموکراتیزه‌کردن و ارزان‌سازی

تفاوت منتقد حرفه‌ای و آماتور

امروزه هر کسی با دسترسی به اینترنت می‌تواند درباره فیلمی نظر دهد و حتی عنوان نوشته پنج خطی پر از دشنام خود را هم نقد بگذارد. با اینکه می‌شود با کمک هوش مصنوعی در مورد هر فیلمی، براساس آنچه در اینترنت ثبت شده، با انشایی به ظاهر جذاب چیزی شبیه یادداشت و گاه فیلم در دست داشت. از این منظر شاید در دورانی هستیم که برخی از به اصطلاح «منتقدان فیلم»، پیش از نوشته‌های خود نیاز به نقد و بررسی دارند. تفاوت میان یک نوشته سطحی و یک ارزیابی عمیق و حرفه‌ای از یک فیلم بسیار است. منتقدان حرفه‌ای تنها توصیه به دیدن یا ندیدن فیلم ارائه نمی‌دهند؛ آنها جنبه‌های فنی اثر، از بازیگری و طراحی صدا تا فیلمبرداری و کارگردانی را به طور مستدل تحلیل می‌کنند و وظیفه دارند هم سینمای جریان اصلی و پرهزینه و هم فیلم‌های کوچک و مستقل را بررسی کنند. منتقد حرفه‌ای با تحلیل فیلم، کارنامه بازیگران، مسیر هنری کارگردان و تأثیر فیلم بر کل تاریخ سینما، جزئیاتی را آشکار می‌سازد که از دید تماشاگر عادی پنهان می‌ماند. به این ترتیب، منتقدان می‌توانند آینده سینما و آنچه هنر تلقی می‌شود را در مسیر اصلی خود شکل دهند؛ می‌توانند فیلمسازی گمنام را به صحنه جهانی بیاورند یا هیمنه یک ابرپروژه هالیوودی را به چالش بکشند. نکته مهم دیگر در خصوص منتقدان حرفه‌ای این است که از مطبوعه‌ای که برایش می‌نویسند حق التحریر دریافت می‌کنند. مسأله‌ای که در ایران، با توجه به مشکلات اقتصادی در بخش فرهنگ بسیار کم رمق است. در ایران اولین جرقه‌های نقد سینمایی به دهه ۱۳۲۰ و با گرفتن نشریاتی چون «پیک سینما» و یا «سینما و هنر» برمی‌گردد. پس از نسل اول منتقدان مانند طغرل افشار و هوشنگ کاووسی که معتقد بود «منتقد تپانچه به‌دست و شلاق به‌دست است»، با سر و شکل حرفه‌ای گرفتن نقد نویسی در جهان، در ایران هم نگاه‌ها تغییر کرد. می‌شود همچون سعید عقیقی (در مصاحبه با روزنامه شرق) مطمئن بود «منتقد فیلم فقط قلم به دست دارد.» به ویژه که با تغییر فضای محتوایی مجله‌های سینمایی پس از انقلاب و راه افتادن جریان جدی نقدنویسی از دهه شصت با ماهنامه «فیلم»، کم کم نوشتار سینمایی به بخش ثابت غیر قابل کتمانی از سینمای ایران بدل شد.

نقد به‌مثابه سند فرهنگی

نقد فیلم بازتاب باورها، ارزش‌ها و عادات فرهنگی روزگار است. نوشته‌های منتقدان اطلاعاتی درباره موضوعات اجتماعی، سیاسی و... دربردارند. منتقدان فیلم به مخاطبان سینما امکان می‌دهند مسیر رشد سینما را در گذر زمان پیگیری کنند. براساس پژوهش اووِن ایگان در سال ۲۰۱۸، منتقدان فیلم تأثیر متوسطی بر فیلم‌هایی با اکران گسترده و تأثیر ضعیف‌تری بر فیلم‌های با اکران محدود و مستقل دارند و نقدهای منفی، چه در اکران گسترده و چه محدود، تأثیر بیشتری نسبت به نقدهای مثبت دارند.

آسیب شناسی نقد در ایران و جهان

اینترنت کاری را با نقد فیلم در ایران و جهان کرده که پیشتر با سکوهای نمایش آنلاین کرد: دموکراتیزه‌کردن و ارزان‌سازی. امروز هزاران نفر درباره فیلم می‌نویسند و دستمزد نقدها به شکل شوکه‌کننده‌ای پایین است و مهارت و دانشی که پیش‌تر برای نقد ضروری بود، به حاشیه رانده شده است. اشتباه‌های دستوری و تایپی، سوءبرداشت از مفاهیم و برداشت‌های سطحی از فیلم‌های پیچیده، همگی کیفیت نوشتار سینمایی فردی را پایین آورده‌اند. نتیجه آن است که خواندن نقد و یادداشت‌ها در فضای آنلاین اغلب تجربه‌ای ملال‌آور است. از سوی دیگر با وجود اینترنت مردم همچون سابق سراغ روزنامه‌ها و مجله‌ها نمی‌روند تا خواننده متن‌های حرفه‌ای باشند.

یک منتقد آمریکایی همراه نقدش از فیلمی تازه، کلیپی ضبط شده از نمایش آنلاین فیلم منتشر کرد تا مردم را ترغیب به دیدن آن کند. او گفت «هیچ‌کس نقدم را نمی‌خواند، مهم نیست چقدر خوب نوشته باشم.»

در ایران، ورود اینترنت تحولی جدی در فضای نقد سینما به‌وجود آورد. پیش از آن، جریان نقد بیشتر در اختیار رسانه‌های رسمی و چند نشریه محدود بود، اما شبکه‌های مجازی این انحصار را شکستند تا منتقدان جوان و کمتر شناخته‌شده امکان دیده‌شدن پیدا کنند. این دگرگونی روی دیگری هم داشت و بسیاری از کاربران سینمادوست با تکیه بر این فضا، خود را منتقد پنداشته و با نوعی اعتمادبه‌نفس سطحی تصور کردند نوشتن چند جمله کوتاه در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند جایگزین نقد تخصصی شود.

برش

گذشته پرافتخار و حال مبهم نقد

زمانی باور داشتیم منتقدان می‌توانند سرنوشت فیلمی را دگرگون کنند. پالین کیل، فیلم بانی و کلاید را از شکست نجات داد. حمایت منتقدان از کوئنتین تارانتینو جوان حیاتی بود. نویسندگان کایه دو سینما در اعتباربخشی به آلفرد هیچکاک در آمریکا و فرانسه نقش داشتند. فیلم‌ساز و منتقد سابق، پل شریدر، اخیراً گفته: «دوره‌ای نقد فیلم شکوفا شد که تماشاگران خواهان فیلم‌های بهتر بودند.»

با سهولت فزاینده تولید و دسترسی به فیلم‌ها، نقد نیز گسترش خواهد یافت. در عین حال، حضور گسترده منتقدان آماتور باعث می‌شود مخاطبان به دشواری بتوانند میان نقد عمیق و حرفه‌ای و نقد سطحی تمایز بگذارند. با این حال، در عصر دیجیتال همه صداها و دیدگاه‌ها جایگاه خود را دارند و به نظر نمی‌رسد جریان نقد متوقف شود.

گفت‌وگو با سید محسن حسینی به مناسبت رویداد «ایران من»

چراغ هنر در برج آزادی را روشن نگه داشتیم

گفت و گو

سعیده احسانی‌راد
گروه فرهنگی

برج آزادی برای همه خاطره‌انگیز است. نماد آزادی و دروازه انقلاب، ورودی و پایانی بسیاری از راهپیمایی‌ها و مناسبت‌های انقلابی و میهنی است. جمعه گذشته اما برج آزادی تجربه‌ای متفاوت از کارگاه‌های گروهی و میان‌رشته‌ای را با حضور ۱۰۰ هنرمند از رشته‌های مختلف تجسمی و صنایع دستی در قالب رویدادی به نام «ایران من» داشت.

سید محسن حسینی، مدیر برج آزادی در گفت‌وگو با «ایران» درباره برنامه «ایران من» و فعالیت‌های فرهنگی در برج آزادی گفت: «همزمان با هفته دولت و در ادامه برنامه‌های فرهنگی و هنری که در مجموعه آزادی با عنوان رویداد «ایران من» با رویکرد حمایتی و معرفی هنرمندان حوزه‌های مختلف تجسمی و موسیقی برگزار شد، قبل از آن نیز نمایشگاهی از آثار پوسترها با موضوع «تولید ملی» برگزار شده بود که این پوسترها در قالب ۷۰ مدل منتشر و دیده شد.»

حسینی ادامه داد: «برنامه «ایران من» ورکشاپی بود که برای آن ۱۰۰ هنرمند از کل ایران دعوت شدند. این برنامه کاملاً به صورت خودجوش بود. هنرمندان مختلف حوزه‌های تجسمی از رشته‌های مختلف نقاشی، پاپیه‌ماشه، عکس، الماس‌تراشی، طراحی، هنرهای مدیا، گلدوزی، خط نستعلیق، نقاشی رنگ‌روغن، ترمه‌دوزی، صنایع دستی، چوب، کلاژ، سوزن‌دوزی، تابلوفرش و بسیاری موضوعات دیگر به خلق اثر با موضوع ایران پرداختند.»

او درباره نگاه هنرمندان به موضوع ایران و آثاری که خلق شد، اظهار کرد: «از حیث تنوع محتوایی، هر کسی نگاه شخصی خودش را نسبت به موضوع ارائه داد. از نظر تنوع ساختاری هم در صنایع دستی، تلاش کردیم صرفاً یک بخش خاص مانند قلمکاری را پررنگ نکنیم. مثلاً ۱۵ نوع قلمکار نیاوریم و بگوییم این جشنواره است. سعی کردیم تا حد امکان از نظر فرم، متریال، تکنیک و نگاه، تنوع ایجاد کنیم. جذابیت و تنوع محصولات بسیار فراگیر و جالب بود. خیلی از مخاطبان واقعاً لذت بردند و بعضی‌ها اولین‌بار بود که چنین آثاری را می‌دیدند.»

حسینی در پاسخ به این سؤال که چطور این جمع از هنرمندان برای رویداد «ایران من» انتخاب شدند، گفت: «ما همواره سعی کرده‌ایم چراغ مجموعه روشن بماند. از ایام عید به بعد، به خاطر حضور مخاطبان، میزهای هنری برای حمایت از هنرمندان گذاشتیم و پیش‌تر هم برنامه‌های متنوعی داشتیم. در مجموع یک بانک اطلاعاتی ویژه از هنرمندان ایران داریم که حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ هنرمند هستند؛ بخشی از این هنرمندان را به صورت گالری‌گردانی و کارگاهی دعوت می‌کنیم و گاهی دوستان از گروه‌های مختلف هنری در مناسبت‌های مختلف می‌آیند و در مجموعه آزادی در رشته‌های مختلف اثر خلق می‌کنند.»

مدیر برج آزادی درباره اینکه این ورک‌شاپ جنبه آموزشی داشت هم گفت: «این برنامه جنبه آموزشی مستقیم نداشت، اما آموزش در لابه‌لای ارائه اثر اتفاق می‌افتد. مثلاً کسی که پاپیه‌ماشه کار می‌کرد، اگر مخاطبی تمایل داشت، می‌توانست سؤال کند و از چگونگی شکل‌گیری روند اثر هنری مطلع شود. مثلاً می‌پرسیدند: «این کار قشنگ است، کجا می‌توانیم یاد بگیریم؟» یا شماره تماس هنرمند را می‌خواستند. یعنی این رویداد یک بخش آموزشی پنهان در دل خودش داشت.»

> مجموعه فرهنگی و هنری برج آزادی زیرمجموعه بنیاد رودکی است. خوشبختانه چراغ مجموعه همیشه روشن است

حسینی درباره اینکه چرا این رویداد را «ایران من» گذاشتید، گفت: «نامگذاری این رویداد به نام «ایران من» در راستای تقویت عِرق ملی و حس وطن‌دوستی بود. با توجه به جنگ تحمیلی ۱۲ روزه‌ای که اتفاق افتاد و پس از آن ایام محرم و صفر، این برنامه با تأخیر در هفته دولت برگزار شد. نکته مهم این بود که دست هنرمندان را باز گذاشتیم تا بر اساس حس شخصی خود به وطن، کاری انجام دهند. بعضی‌ها اشعار کلاسیک را استفاده کردند، برخی از ترانه‌هایی با موضوع ایران الهام گرفتند و ما نمی‌خواستیم آن را صرفاً مناسبتی کنیم.»

برنامه‌های مهم فرهنگی و هنری برج آزادی

مدیر برج آزادی در ادامه درباره برنامه‌های فرهنگی و هنری که برای این مجموعه پیش‌بینی شده است، گفت: «مجموعه فرهنگی و هنری برج آزادی زیرمجموعه بنیاد رودکی است. خوشبختانه چراغ مجموعه همیشه روشن است. یکی از سیاست‌های ما استفاده از ظرفیت‌های خاص مجموعه است. سالن اصلی‌مان یکی از بهترین سالن‌های موسیقی و تئاتر ایران است و این سالن را به‌روزرسانی کرده‌ایم؛ موکت تعویض و نور و صدا به‌روز شده است.»

او درباره هنرمندان حوزه موسیقی که در این سالن اجرا دارند، گفت: «بعد از وقفه ۷-۶ ساله، سال گذشته دوباره جشنواره موسیقی فجر را برگزار کردیم. همچنین جشنواره موسیقی امیرجاهد و خالقی، هفته فیلم معلولان و بسیاری برنامه‌های دیگر در مجموعه فرهنگی و هنری برج آزادی برگزار شد.»

حسینی تأکید کرد: «در موضوع گالری‌گردانی هم یکی از بزرگ‌ترین گنجینه‌های هنرهای تجسمی ایران را آماده کرده‌ایم که همه این آثار سند دارند. این آثار شامل نقاشی، خوشنویسی، مینیاتور و دیگر حوزه‌هاست. آثار از قبل خریداری شده و بنا به دلایلی پراکنده بودند، الان ساماندهی و مستندسازی شده‌اند و در قالب کتابچه منتشر می‌شوند. در حال حاضر این از بهترین آثار گنجینه هنرهای تجسمی به شمار می‌رود و ما یک اتاق گنجینه برای این آثار تجسمی درست کرده‌ایم. برخی از آثار متعلق به هنرمندان بزرگی مثل استاد صداقت جباری، استاد گودرزی، آقای چلیپا، استاد روشن و دیگران هنرمندان عرصه تجسمی است.»

او با بیان اینکه مجموعه برج آزادی ثبت ملی شده و نمی‌توان در آن ساخت‌وساز کرد، از آماده شدن یک نگارخانه پرتابل خبر داد و گفت: «پارتیشن‌هایی طراحی شده و پرتابل‌هایی را آماده کرده‌ایم که نمایشگاه‌ها با قطع بزرگ برگزار شود و این کار بسیار جالبی به شمار می‌رود.»

مدیر برج آزادی از رونمایی اولین، تنهاترین و بزرگ‌ترین موزه سایه‌های خاورمیانه تا پایان شهریورماه خبر داد و درباره آن اظهار کرد: «این موزه شامل آثار سایه‌ای، حدود ۲۰۰ ساله از بخش‌های مهم خاورمیانه همچون هند، اندونزی، قطر و... است که در مجموعه آزادی دوباره بازآفرینی شده‌اند و به نام نمایش‌های سایه‌ای شناخته می‌شوند. این موزه یکی از بی‌نظیرترین‌ها در خاورمیانه خواهد بود.»

حسینی درباره اهمیت صیانت از سازه برج آزادی و استقبال بازدیدکنندگان گفت: «ما همیشه نگران صیانت از سازه برج آزادی هستیم. هیچ برنامه‌ای نباید باعث آسیب به برج شود. محوطه میدان آزادی زیر نظر شهرداری است، اما سازه برج زیر نظر ما بوده و حفاظت از آن وظیفه اصلی ماست. از نظر بازدید، امسال در ایام عید رکورد زدیم: در ۸ روز بیش از ۳۵ تا ۴۰ هزار نفر از برج بازدید کردند. در ماه رمضان هم بازدیدکنندگان زیادی داشتیم. این نشان می‌دهد برج آزادی همچنان ظرفیت بالایی برای برنامه‌های فرهنگی و جذب مردم دارد و خوشبختانه بازدید مردم هم بسیار خوب و قابل قبول است.»

ضرورت بازسازی برند جشنواره هنرهای تجسمی جوانان

هنرمند به مثابه نخبه

یادداشت

سعید اسلام‌زاده
روزنامه‌نگار حوزه هنر

متخصصان فن در مبحث برندسازی معتقدند که برند صرفاً در نشان (لوگو) خلاصه نمی‌شود و هرآنچه از احساسات و تجربیات مخاطب در مواجهه با یک نام خاص در ذهن می‌آید و موجب تمایزآن کالا و محصول با خدمات مشابه می‌شود و مفهومی قابل لمس نیست، همانا برند است. درواقع بسیاری از رفتارهای مربوط به یک نام تجاری و یا فرهنگی از جمله تبلیغات، زیرمجموعه برند است. در جشنواره‌های هنری، به تازگی بحثی درباره برندسازی جشنواره‌ها مطرح شده است. در برندسازی یک خدمت و یا رویداد فرهنگی و هنری، از مجموعه عناصر دیداری و سبک‌های ارتباطی و پیام‌ها و شعارها و روابط با مخاطب، تا ارزش‌های ضمنی و ذاتی محصول و روایت‌هایی که خلق می‌شوند، همگی در خدمت یک برند فرهنگی عمل می‌کنند. حالا برای رسیدن به فرآیندی مستمر، بازتعریف ایده‌ها و ارزش‌های جشنواره و ایجاد هویت بصری و رنگ و صدا و لحن برای پیام‌ها، نیاز ضروری است.

جشنواره هنرهای تجسمی جوانان بعد از ۳۲ سال برگزاری (سی و دومین دوره این جشنواره از ۳۱ شهریور تا چهارم مهرماه امسال برگزار می شود) احساس می‌شود که نیازمند بازسازی برند است. اما این بازسازی برند با یک کالا و محصول و لوگوی تجاری بسیار متفاوت است.

در ادواری از این جشنواره به دلایل اداری یا اجرایی توجه چندانی به صورت درون‌سازمانی یا برون‌سازمانی و حتی رسانه‌ای به این جشنواره نشده است. جشنواره هنرهای تجسمی جوانان ویژگی‌هایی دارد که در بازسازی برند به کار می‌آیند.

شعار «جشنواره هنرهای تجسمی جوانان» مهم‌ترین جشنواره هنری است و خصوصیات «منحصربه‌فردی» دارد که به ندرت مشابهی برای آن می‌توان یافت، اگر تبدیل به یک «گفتمان درون‌سازمانی» در نهاد جشنواره و همچنین در نگاه رسانه‌ای باشد، فرصت یگانه‌ای برای بازتعریف ارزش‌های جشنواره به برگزارکنندگان و شرکت‌کنندگان می‌دهد. این جشنواره در ذات، جشنواره‌ای «ارتباط‌محور» است، چرا که خلق اثر هنری در این جشنواره در جریان فرآیند ارتباط میان هنرمندان جوان و استادان پیشکسوت اتفاق می‌افتد.

> مهم‌ترین مسأله در بازسازی برند جشنواره هنرهای تجسمی، ایجاد «گفتمان هنر به مثابه نخبگی» است

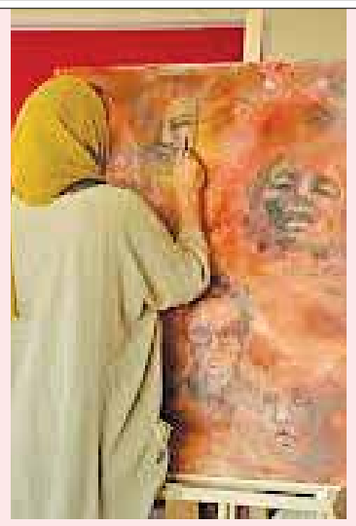

ایجاد یک شبکه ارتباطی با عنوان باشگاه هنرمندان جوان تجسمی به عنوان پلتفرمی منسجم و مدون با حضور هنرمندان جوان و استادان و پیشکسوتان در آن فرصت بزرگی برای ایجاد خلاقیت و تبادل ایده و حتی بازاریابی و بازارسازی در هنر امروز خواهد بود. شاید یکی از مهم‌ترین نکات برای بازسازی برند جشنواره هنرهای تجسمی جوانان ایران، تغییر ساختار این نهاد به صورت یک استارتاپ است که به دلیل جوان بودن شرکت‌کنندگان در این جشنواره کاملاً قابل اجرا خواهد بود.

اهمیت این شبکه ارتباطی و ساختار شتاب‌دهندگی در اجرا و نتیجه‌گیری از آثار خلق شده در این جشنواره با دیگر جشنواره‌ها متفاوت است. هنرمندان جوان در مدت زمان هفت سال فرصت دارند در این جشنواره حضور یابند و ۱۸ تا ۲۵ سالگی بهترین زمانی است که هنرمندان جوان می‌توانند راهی به بازارهای هنری و جریان هنری کشور پیدا کنند و در معرض آزمون‌های سخت جامعه هنری قرار گیرند که به نظر می‌رسد خلاق‌ترین شبکه ارتباطی و باشگاه هنری خواهد بود.

استمرار این شبکه در بازسازی برند به کمک می‌آید و تأکید می‌کنم که در ساختار شتاب‌دهنگی نیز مؤثر است.

مهم‌ترین مسأله در بازسازی برند جشنواره هنرهای تجسمی، ایجاد «گفتمان هنر به مثابه نخبگی» است که با حضور بنیاد ملی نخبگان و معرفی برگزیدگان این رویداد به بنیاد، شکل رسمی به خود می‌گیرد و از گفتمانی وابسته به هشتگ‌های فضای مجازی فراتر می‌رود و در عمل شاهد اجرای ایده «هنرمند به مثابه نخبه» خواهیم بود. امیدواریم که در پایان دوره سی‌ودوم جشنواره هنرهای تجسمی جوانان، فرآیند بازسازی برند جشنواره آغاز شود که با ایجاد جایگاه جدید و متمایز می‌تواند نام جشنواره را دوباره به مهم‌ترین جشنواره هنری ایران تبدیل کند. لازمه این ماجرا، استمرار کار جشنواره در فاصله برگزاری دو دوره است که با تولید محتوا و جلسات و کارگاه‌ها و برنامه‌های ادواری تحت عنوان باشگاه هنرمندان جوان قابل اجرا خواهد بود.